

سرشماری در کرمان در سال ۱۳۰۰ ق. / ۱۸۸۳ م. / ۱۲۶۱ ش.

محمد ابراهیمیان*

Ebrahimi888@yahoo.ca

چکیده

تاریخچه سرشماری در دوره قاجار و نمونه سندی که معرفی شده، اشاره دارد به فرمان ناصرالدین شاه، خطاب به ناصرالدوله، سلطان عبدالحمید میرزا حکمران کرمان، در انجام احصائیه اهالی کرمان و توابع آن در سال ۱۳۰۰ ق. / ۱۸۸۳ م. / ۱۲۶۱ ش. که براساس دسته بندیهای مختلف، از حیث میزان سن و مذهب و قومیت می باشد و تاحدی اشاره به وضعیت خارجیان مقیم ایران نیز دارد.

کلیدواژه‌ها:

سرشماری جمعیت، کرمان، ایران، آمار.

* * *

در طول تاریخ، عامل جمعیت و نیروی انسانی، پیوسته یکی از شاخصه‌های مهم در ذکر وقایع و حوادث تاریخی از قبیل جنگها و لشکرکشیها بوده است که گویای مطالب مختلفی است. هرچند که بسیاری از این ارقام، پایه و اساس علمی و حقیقی ندارد و اغلب آنها با مبالغه همراه است، ولی تاحدودی بیانگر یک مطلب است و آن، تمرکز میزانی از جمعیت در زمان و مکان واقعه. اگر بخواهیم به تاریخچه احصائیه در دوره قاجار اشاره کنیم، می‌باید به فرمانی که ناصرالدین‌شاه قاجار به عبدالغفار خان منجم باشی اصفهانی (نجم‌الملک) داده توجه کنیم که طی آن، ناصرالدین‌شاه برای اولین بار در سال ۱۲۸۶ق./۱۸۶۹م. / ۱۲۴۸ش.، عبدالغفار خان منجم‌الملک را موظف کرد که جمعیت دارالخلافه ناصری را از روی تحقیق و تدقیق مشخص سازد و او نیز، به کمک چند تن از جمله محمد حسن میرزا و علی‌خان فرزند ملک‌الشعرا، موفق شد پس از تقسیم بندی ارگ سلطانی به چهار محله بزرگ عودلاجان، چاله میدان سنگلج و محله بازار، افراد را براساس دسته بندیهای از جمله مردان و زنان و صغیر و کبیر و سیاه و سفید و اطفال و جوانان بزرگ‌تر از پنج سال تا پانزده سال و مسافران و مهاجران نظیر آذربایجانیها و اصفهانیهای مقیم و نیز طلاب و ناقص‌الاعضا و زرتشتیان و ارامنه و یهود و دیگر فرنگیهای متوقف در تهران، احصا و در نهایت عدد کل نفوس دارالخلافه را یکصد و پنجاه و پنج هزار و هفتصد و سی و شش نفر (۱۵۵,۷۳۶ نفر) اعلام کند که از این میزان، تعداد ۸,۴۸۰ نفر سپاهی و ۱۴۷,۲۵۶ نفر رعیت بودند.^۱

البته پرواضح است که اعلام این میزان از جمعیت، نمی‌توانسته کاملاً دقیق و بدون خطا باشد؛ چرا که همواره وجود پاره‌ای از مشکلات نظیر رفت و آمد

مسافران و مهاجران به شهر و یا ترس مردم از مالیات گیری و یا تصور اینکه منظور و هدف حکومت از این کار، گردآوری نیرو جهت تهیه سپاه برای جنگ می‌باشد و شاید وضع قوانینی از سوی دولت که ممکن است به ضرر آنها تمام شود و موانعی دیگر از قبیل بی‌اعتمادی و اجازه ورود نداشتن مأموران احصا به منازل، پیوسته مانع از دستیابی آمارگران به اطلاعات صحیح بوده و شاید جالب توجه باشد که گاهی تا یک ربع ساعت پشت در خانه‌ای با یاد کردن صداها سوگند که واقعاً نیت سوئی ندارند، به انتظار و مجاب کردن صاحبخانه می‌ایستادند. در ولایات نیز، مشابه این وضع به گونه‌ای دیگر حاکم بود؛ توهم عمال و مباشران به این جهت که هرچه مردم کم‌تر احتمال مداخل عامل کم‌تر، آمار نفوس را از آنچه بود کم‌تر و پائین‌تر نشان می‌دادند،^۲ که تمامی اینها در نتیجه سرشماری تأثیر گذار بوده است.

آمار دوم امنیه تهران را احضر علی‌شاه بین سنوات ۱۳۱۷-۱۳۲۰ق. / ۱۸۹۹-۱۹۰۲م. / ۱۲۷۸-۱۲۸۱ش. تهیه کرده است که برطبق آن، تعداد خانه‌ها ۱۵,۲۷۵ باب و دکانها ۹,۴۲۵ باب افزایش داشته و جمعیت شهر مطابق محاسبه ۱۶ نفر در هر خانه، حدوداً ۲۴۴,۴۰۰ نفر می‌باشد.^۳

به نمونه‌های دیگری از احصائیه در دوران قاجار برخورد می‌کنیم که از بعضی شهرها به عمل آمده، مثلاً در سرشماری نفوس - که به سال ۱۲۹۱ق. / ۱۸۷۴ق. / ۱۲۵۳ش.، سال تألیف جغرافیای کرمان وزیری انجام شده - جمعیت کرمان با ملحقات آن، ۲۴۱,۰۰۰ بوده است.^۴

گفته می‌شود که سرشماری به شکل قانونمند و سازمان یافته و نوین در ایران، طی قانونی که در تاریخ دهم خرداد ماه ۱۳۱۸ ش. / اول ژوئن ۱۹۳۹م.

به تصویب مجلس شورای ملی رسید، برای اولین بار از شهر کاشان به تاریخ اول تیرماه ۱۳۱۸ ش. / ۲۳ ژوئن ۱۹۳۹ م. - با نکاتی که شورای عالی آمار مقرر داشت - به عمل آمد.

شاید بتوان گفت که احصائیه در دوران قاجار، با اهدافی اقتصادی نیز همراه بوده و گاهی تغییر آهنگ رشد جمعیت و یا رشد مبادلات بازرگانی در یک محله در فاصله چندین سال، حکایت از رونق فلان محله یا منطقه نسبت به سالهای گذشته داشته است و چه بسا در سالهای بعد از رونق آن کاسته شده و همین امر، باعث تغییر سیاستهای حکومت در گرفتن مالیات از کسبه یا اهالی آنجا شده بوده است؛ به طور مثال، رفت و آمد خارجیان به محله دولت، طبق آمار و گزارشهای پلیس و آمار سرقت در آن محله، حاکی از تمول آن بخش بوده و در عین حال، احصائیه می توانست به مستوفیان جهت تنظیم دخل و خرج هر ولایت و یا مملکت نیز کمک کند. همچنین دروازه‌هایی که در مدخل شهرها وجود داشته و مأمورانی که تحت عنوان نواقل یا عوارض بگیران - که عموماً غیردولتی بودند و دروازه‌ها را از دولت اجاره می کردند و منبع درآمدی برای خود ساخته بودند.^۵ گویای آماری از ورود و خروج روزانه افراد اعم از مهاجران و یا حتی خارجیان به داخل یا خارج شهر بوده‌اند.

در اینجا برای نمونه، به تشریح سندی پرداخته می شود که طی فرمانی در سنه قوی ثیل ۱۳۰۰ ق. / ۱۸۸۳ م. / ۱۲۶۱ ش. از ناصرالدین شاه به سلطان عبدالحمید میرزا ناصرالدوله امیر تومان حکمران کرمان، سرشماری از اهالی کرمان و توابع آن به عمل آمده و حسب الامر، وی افراد شش سال به بالا را نفر به نفر، خانه به خانه بازدید و شمارش کرده و در سند

ذکر شده که اطفال صغیر کم‌تر از پنج سال و نیز هندو^۶ رعیت دولت انگلستان، جزء آمار به حساب نیامده‌اند.

در متن سند، کلیه آمار و ارقام به خط سیاق آورده شده و سپس به تقسیم‌بندی جمعیت از حیث جنسیت، قومیت، مذهب و غیره پرداخته و تعداد هر کدام را، جداگانه تعیین و مشخص کرده است. در اینجا ضمن آوردن متن سند، یادآور می شود که تنها ارقام سیاق به اعداد هنری تبدیل گردیده است.

نکته قابل اهمیت در سند مذکور، اشاره به کلمه مجوس و غیره است که منظور از غیره، یهود و هندو می باشند که در سند یکبار مجموع آنها را آورده که عبارت است از ۲,۶۸۵ نفر و پس از آن، به تفکیک تعداد هریک پرداخته، و به هنگام جمع‌بندی نباید دچار اشتباه گردید و اعداد یهود و هندو را به جمع افزوده نمود. شایان ذکر است، با اینکه در سند قید گردیده که هندو علی‌رغم اینکه به کار تجارت و پیله‌وری مشغولند و دارای حق خرید و فروش ملک می باشند، ولی از شمارش معافند و در سرشماری به احتساب نمی آیند؛ اما در اینجا عدد اولیه - که نشانگر جمعیت کل کرمان و توابع آن است یعنی ۴۴,۱۹۱ - نفر حاصل جمع تعداد مسلمانان، مجوسان، یهود و هندو می باشد و شاید بتوان نتیجه گرفت که حکومت، مقررات خاصی در باره این افراد و حقوق شهروندی آنها داشته که خود مقوله دیگری است.

در پایان، لازم است به عامل دیگری یعنی طبیعت اشاره کنیم که همواره تأثیر گذار بر نرخ رشد جمعیت و نوع معیشت هر شهر یا منطقه بوده است؛ به طور مثال، شهرهای کویری چون کرمان و یزد و طبس و بیرجند، همواره صادرات جمعیت داشته‌اند.

بدین معنی که سرریز جمعیت خود را به شهرهای دیگر فرستاده‌اند، تا آن مناطق را آباد کنند که این البته امری طبیعی بوده و جمعیت شهرهای خودشان، به میزان بارندگی و آب و درآمدی که داشته‌اند، ثابت و متعادل می‌مانده است.^۷

پی‌نوشتها:

۱ - سیروس سعدونیان، منصوره اتحادیه، *آمار دارالخلافه تهران* (تهران نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۸)، خلاصه صص ۳۴۳، ۳۴۴ و ۳۴۶.

۲ - احمد علی خان وزیری، *جغرافیای کرمان* (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۶)، ص ۱۲۲.

۳ - منصوره اتحادیه، «مبحث جنایت و مکافات، مسئله امنیت در تهران عصر ناصری» *کتاب تهران* (مجموعه مقالات) (تهران: روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶)، ج ۵ و ۶، ص ۵۷.

۴ - وزیری، پیشین، ص ۵۹.

۵ - جعفر شهری، *تاریخ اجتماعی تهران در قرن سیزدهم* (تهران: رسا، ۱۳۷۶)، ج ۱، پانویس ص ۱۰۸.

۶ - جمع هندی.

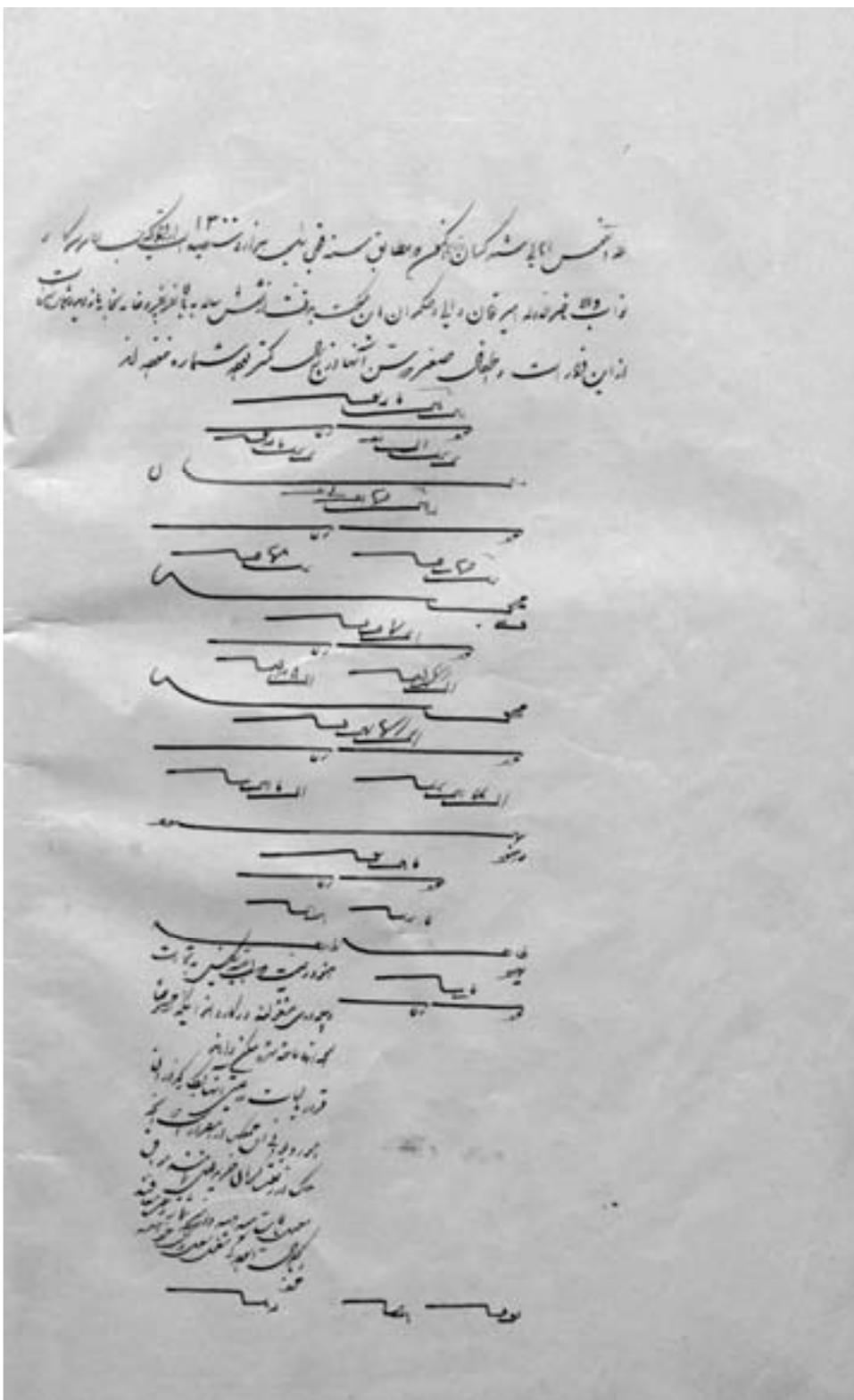
۷ - وزیری، پیشین، ص ۵۷.

عدد نفوس اهالی شهر کرمان و توابع - اکنون که مطابق سنه قوی ئیل هزار و سیصد است - از قرار اینکه حسب الامر سرکار نواب والا، ناصرالدوله امیر تومان، والی و حکمران این مملکت، به دقت از شش سال به بالا، نفر به نفر و خانه به خانه بازدید و شماره شده است، از این قرار است و اطفال صغیر که سن آنها از پنج سال کم تر بوده، شماره ننموده اند.

زن	مرد	
۲۲,۱۹۱	۲۲,۰۰۰	۴۴,۱۹۱ نفر
۲۰,۹۵۰	۲۰,۵۵۶	مسلمان ۴۱,۵۰۶ نفر
۱,۲۴۱	۱,۱۴۴	مجوس و غیره، ۲,۶۸۵ نفر
۱,۱۶۴	۱,۳۲۴	مجوس ۲,۴۸۸ نفر
۷۷	۱۲۰	یهود و هنود
۷۷	۸۹	طایفه یهود ۱۶۶ نفر

طایفه

هنود رعیت دولت بهیه انگلیس، به تجارت و پیله وری مشغولند و در کاروانسرائی که مخصوصاً به جهت آنها ساخته شده، مسکن دارند. قرار مالیات و رعیتی آنها به کارگزاران امور دیوانی این مملکت، از این قرار است که آنچه ملک از رعیت کرمان خریداری نمایند، موافق معمول مالیات می دهند و از [وجه] سرشمار و غیره معافند و با کمال آسودگی، مشغول شغل و کسب خود هستند.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، معاونت کتابخانه ملی، شماره سند ۱۱۵۰۱/۱